

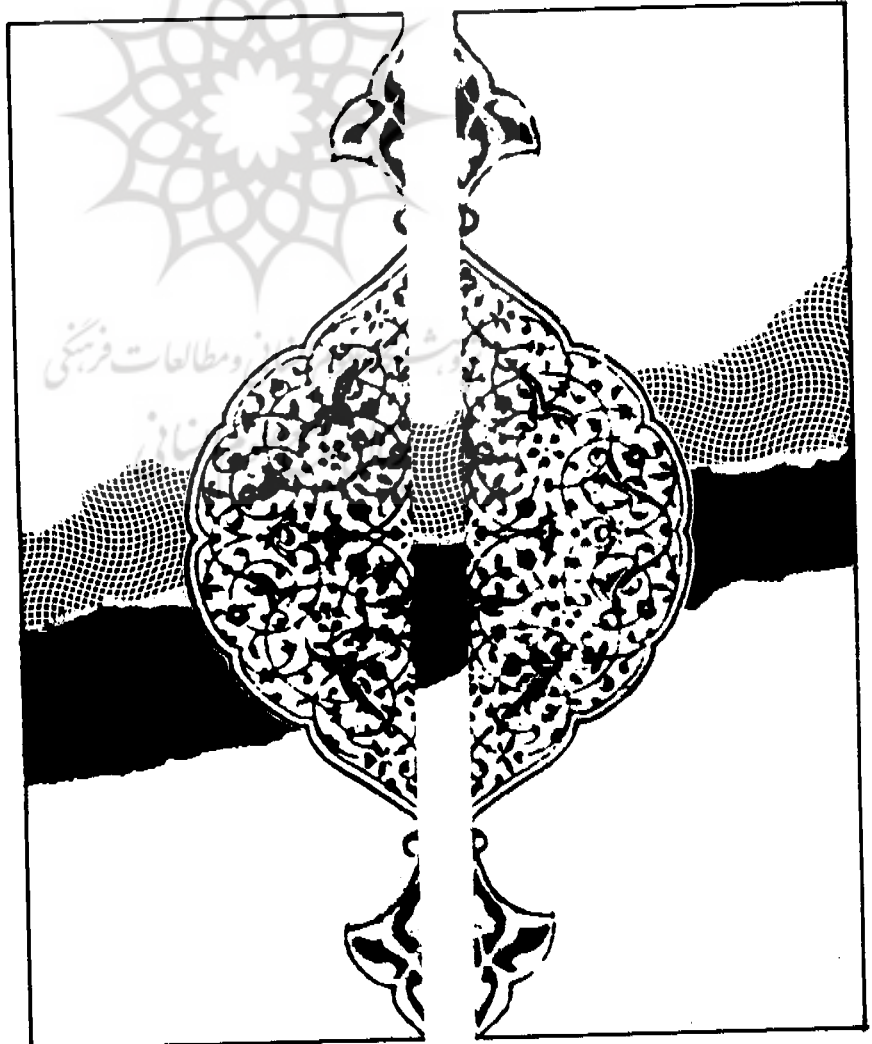
دوران

حساس بلوغ

محسن شکوهی یکتا

■ مقدمه:

دوران بلوغ یکی از مهمترین مراحل حیات هر انسان می باشد که در پسران از حدود سنین ۱۵ تا ۱۸ آغاز شده و در دختران از حدود سنین ۹ تا ۱۴ پا می پذیرد. همچنین این دوره یکی از دورانه های اساسی و بسیار مهم در طول زندگانی هر انسانی می باشد. از این جهت لازم است مسائل کلیه را در این زمینه برای آشنائی شناخت بیشتر والدین عزیز نسبت به فرزندانشان در این دوران بیان نمائیم. شناخت بیشتر فرزندان در این سنین بتوانیم روشهای معقول تری را در رابطه با تربیت آنان اجراء نمائیم اهمیت دوران بلوغ را علی علیه السلام چنین بیان می فرماید: که در این سنین فرزند ممکن است دشمن بدخواه و یا دوست خیرخواه والدین باشد. بنابراین تربیت دوران پیش از بلوغ و همچنین رفتار با فرزندان در این سنین بسیار حساس از اهمیت خاصی برخوردار است. قال علی علیه السلام: «وَلَدُكَ رَيْحَانَتِكَ سَعَاءٌ وَخَادِمُكَ سَعَاءٌ تَمُّ هُوَ عَدُوُّكَ أَوْ صَدِيقُكَ» علی علیه السلام فرموده است: فرزندت در هفت سال اول، برگ خوشبوئی بر ساقه درخت شماس است. در هفت سال دوم خدمتگزار، مطیع و فرمانبردار شما است. در هفت سال سوم



ممکن است دشمن بدخواه یا دوست خیرخواه شما باشد. همچنین بعلمت آنکه دوران نوجوانی یکی از پرازش ترین دورانهای هرفرد است بنابر این لازم است که فرزندان ما بتوانند در این سنین حداکثر استفاده از دوران جوانیشان ببرند. پس در تربیت آنها در طول این مرحله بایستی بیش از پیش کوشا باشیم. «شیان لا یعرف فغلا الّا من فقدهما: الشّباب والعافیة»^۲ دو چیز است که قدر و قیمتشان را نمی شناسد مگر کسیکه آن دورا از دست داده باشد، یکی جوانی و دیگری تندرستی و عافیت است. وقال رسول الله صلی الله علیه وآله: «انّ العبد لا تزول قدامه یوم القیمة حتی یسأل عن غمّره أفناه و عن شبابیه فیما أبلاه»^۳

رسول اکرم (ص) فرموده است: که در قیامت بنده ای قدم از قدم برنمیدارد تا به این پرسش ها پاسخ دهد: اول اینکه عمرش را در چه کاری فانی نموده است. دوم اینکه جوانیش را در چه راه و چگونه تمام کرده است.

به پیری خاک بازیگاه طفلان میکنم برسر که شاید نشنوم از خاک بوی نوجوانیرا در اینجا لازم می دانم از زحمات برادر محسن شکوهی یکتا که در تدوین این مقاله ما را یاری کرده اند تشکر و قدردانی نمائیم.

و احد مفاطم تربیتی - امروز تربیتی استان تهران

■ بلوغ و ایمان

اعتراضات خود به رسول اکرم (ص) قرار دادند. «فاجتمعت قریش علی بن ابیطالب فقالوا یا اباطالب انّ بن اخیک قدست الهتنامه وافرشتانبا و فرق جماعتنا»^۱ قریش گرد حضرت ابوطالب جمع شدند و گفتند: برادرزاده ات خدایان ما را به بدی یاد کرده و جوانان ما را فاسد نموده و مایه اختلاف و تفرق ما شده است»^۲ «غالباً نوجوان را به عدم توجه به اخلاق منسوب می کنند و اما خود توجه نمی کنند که معیارها و ضوابط مشخص کننده اخلاق از چندین سال پیش تا بحال تغییر کرده است و با معیارهای موجود شاید آنچه را در نظر اول غیر اخلاقی جلوه گرمی شود به واقع اخلاقی باشد»^۳. بنابر این اگر در سنین بلوغ، نوجوان در یک محیط سالم تربیتی قرار بگیرد خود بخود به طرف مسائل معنوی و ایمان و عدالتخواه کشیده خواهد شد پس بر ما والدین آنهاست که این محیط سالم پرورشی را برای آنان ایجاد نمائیم تا به سوی ایمان و تقوی جذب شده و از انحراف بدور باشند.

■ تحول بدنی نوجوان

«از اواخر دوره اول تعلیمات عمومی در طول دوره راهنمایی یعنی در حدود سنین ۱۲ تا ۱۵ سالگی باید در انتظار یک دوره جهش در غالب زمینه های رشد جسمی بوده استخوانها رشد بسیار سریعی را آغاز می کنند در نتیجه بر طول قد سریعاً افزوده می شود. عضلات با وجود اینکه از رشد سریعی برخوردارند ولی با استخوانها هماهنگی ندارند. علیهذا یک نوع بی تناسبی در اندامها دیده می شود همچنین وقت عمل دستها و پاها با ظرافت حرکات آنها دچار اختلال می شود حجم قفسه سینه و ریتین افزایش می یابد دماغ و دهان بزرگ می شوند و

در سنین بلوغ، نوجوان از روی طبیعت و ذات خویش کشش و جاذبه ای نسبت به مسائل معنوی پیدا می کند و روح ایمان در او دمیده می شود. مورس دبس استاد دانشگاه استراسبورگ در این باره می گوید: «گویا همه روانشناسان در این نکته متفق القولند که مابین بحران تکلیف و جهش ناگهانی احساسات مذهبی ارتباطی وجود دارد و در این اوقات یک نهضت مذهبی حتی نزد کسانی دیده می شود که سابق بر این نسبت به مسائل مربوطه به مذهب و ایمان لاقید و بی تفاوت بوده اند. حداکثر این احساسات مذهبی در حدود ۱۶ سالگی پیدا می شود. در نزد کسانی که در دوران کودکی تعلیم و تربیت مذهبی داشته اند چنین نهضت ناگهانی وجود ندارد، اما عشق به خداوند در آنان شدت می یابد»^۱ به همین جهت است که «اوگوست، در قانون سه حالت خود، دوران بلوغ را سنین ماوراء الطبیعه نامیده است»^۲ مورس دبس بار دیگر چنین می گوید: «در حدود ۱۵، ۱۷ سالگی، جوانان به ندای تقدس یا شجاعت بلرزه درمی آیند. آرزومند می شوند که جهان را از نو تشکیل دهند. بدی را محو و نابود سازند و علامت مطلق را حکمفرما نمایند»^۳ در موقعیکه رسول اکرم (ص) درمگه قیام کرد و دعوت خود را بین مردم آشکار نمود شور و هیجان عظیمی در نسل جوان پدید آمد، آنان روی تمایل فطری مذهب، در اطراف حضرت محمد (ص) اجتماع کردند و به شدت تحت تأثیر گفتارش قرار گرفتند. این امر سبب بروز اختلافات شدیدی در خانواده ها بین جوانان و سالمندان گردید و مشرکین آنرا در ردیف



■ احساسات و عقل نوجوان

«وَأَنْ كَثِيراً لِيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ»^۲ با فرارسیدن دوران انقلابی بلوغ و همزمان با رشد سریع استخوانها و عضلات و اعضاء داخلی بدن، عواطف مهیج و احساسات آتشی در ضمیر نوجوانان نیز پدید می آید و خلق و خوی آنان را به کلی تغییر می دهد.^۳

در اوائل دوران نوجوانی احساسات بر عقل غلبه دارد، و تصمیم گیری او نمی تواند چندان عاقلانه باشد.^۴ جوانان با عقل چندان ارادتی ندارند. قضاوتهای عقلی را بسیار حقیر می شمارند و آن را لایق پیرمردان می دانند. آنان مثل (امرسون) فکر می کنند که «می خواست ارابه خود را به یکی از ستارگان بندد»^۵ «بیشتر خطراتی که دامنگیر نسل جوان می شود. در فاصله چند ساله بلوغ جنسی و رشد نهائی عقل است. در طول این چند سال جوانان همواره در معرض خطر و احياناً سقوط قرار دارند زیرا عقلشان ضعیف و احساساتشان شدید است.»^۶ ضرب المثل ها در این مورد چنین است: «اگر جوانان عقل و پیران قدرت داشته باشند، همه کارها درست خواهد شد» و «بیا به قول زان ژاک روسو، متفکر تعلیم و تربیت: «جوانی زمان فرا گرفتن رموز عقل است و پیری هنگام عمل کردن بدین رموز» همچنین «جوان خیلی زودتر از کودکانی که در حدود ده سالگی هستند متأثر می گردد. یک کلمه یک کنایه و اشاره کافی است که طوفانی ایجاد کند. برای خاطر هیچ، رنگ ایشان سرخ می شود، هیجانان حاصل نه تنها اعمال و حرکات را دچار اختلال می کند بلکه فعالیت فکری و فرهنگی را نیز فلج می سازد»^۷ بنابراین همانطور که قبلاً نیز بیان شد بایستی در برابر اعمال احساساتی

در جوانی

نمیدانیم و در پیری نمی توانیم» بنابراین با توجه به جهل طبیعی نوجوان بایستی همچنان که حضرت علی علیه السلام می فرماید: او در نزد والدین مقبول و پذیرفته باشد و اگر به کارهایی دست می زند که از روی نادانی است. مسأله کاملاً طبیعی برای سن او می باشد. پس در مواقعی که والدین عزیز تشخیص می دهند که نوجوان از روی جهل خویش به کارهایی دست زده است نیابستی مورد تنبیه قرار گیرد و صرفاً کافی است که با یک اشاره کوچک او را به اشتباه خویش واقف نمائیم. مسأله دیگری که در این مورد بایستی مورد توجه قرار گیرد این است که در افکار و ایده های نوجوان در این سن تغییراتی حاصل می شود، و تمایلات و رغبت های پیشین خود را کودکانه می داند. چنانکه «چینی ها» می گویند: «در غرور جوانی مرتکب اعمالی می شویم که با آنها ما را بعدها شرمنده و پشیمان می سازد»

نکته دیگری که لازم به تذکر است این است که «جوانان مجهولات را دوست دارند زیرا مجهولات، چیزهای تازه ای هستند که بهتر از معلومات تجربی، با مولودات ذهنی ایشان توافق می یابند. هرکس می داند که مابین ۱۲ و ۱۵ سالگی، آنان تا چه اندازه برمانه های مربوط به حوادث ماجراجویانه علاقه پیدا می کنند، آنگاه ماجراجویی را کنار گذارده متوجه اشعار سمبولیک می شوند و به رمانهای احساساتی توجه پیدا می کنند»^۱

معده با حجمی که پیدا می کند غذای زیادی می طلبد، گفته شده است که تغییرات شدید جسمی این دوره بیشتر معلول ترشح غدد داخلی است که هورمون آنها وارد خون می شود.»^۱ «فقدان مهارت های عضلانی یا ناشی گیریهائی که در حرکات نوجوان مشاهده می شود نباید موجب سرزنش یا تحقیر او شود.»^۲ «سرعت رشد نه تنها بین کودکان همسال تفاوت می کند بلکه جنبه های گوناگون رشد یک فرد نیز سرعت متفاوت از هم دارند. مثلاً رشد سریع قد کودک دلیل این نیست که وی از نظر مهارت های زبان نیز به سرعت رشد کند نوجوان دائماً در مقایسه و وضع رشد خود با دیگران است و این امر ذهن او را به خود مشغول می دارد»^۳ چه بسا نوجوانانی که ساعتها جلوی آتیه می ایستند و به ورنانداز ظاهری خود می پردازند و دائماً قیافه وقد و رشد جسمی خود را با دیگران مقایسه می نمایند. در این مورد لازم است که به والدین عزیز خاطر نشان کنیم که چون طبیعت نوجوان چنین اقتضائی را دارد بنابراین، این مسائل را در فرزند خویش دیدن، زیاد اعتراض نمایند و او را در فشار قرار ندهند.

■ نادانی نوجوان

قال علی علیه السلام: «جهل الشباب معذور و علمه محصور.»^۱ حضرت علی علیه السلام فرموده: عذر نادانی جوان پذیرفته و معقول و عمل او در جوانی محدود و محصور است. می گویند یکی از کشورهای عربی مثلی دارد. «ایکاش جوانان می دانستند و ایکاش پیرها می توانستند.»

چون توانستم چه سود

چون بدانستم توانستم نبود

و یا به قول یونانی ها: «افسوس که

و غیر عقلانی جوانان یک روش صبورانه اتخاذ نموده و با اشاره‌ای جوان را از اعمال اشتباه خویش آگاه کنند.

و مسأله مهم دیگر اینکه «عشق نوجوانان یک عشق حاد تسخیری است. در این مرحله نوجوانان سعی دارند معشوق از آن خود سازند، رفتارشان در این زمینه بیشتر رفتار با یک شیئی غیرجاندار است. به همین دلیل روابط عاشق و معشوق دیر با نیست و حتی عشقهای شدید که به نتیجه می‌رسد نتیجه دیر پائی ندارد اغلب نوجوان نسبت به عشق خود دوگانگی شدیدی نشان می‌دهد گاه عشق به نفرت تبدیل شده گاه باعث قتل معشوق می‌گردد»^۱ پس، از اینکه نوجوانان ما هرزمانی کسی را دوست دارند و حالت پایداری در وجودشان نیست نباید بنظرمان عجیب بیاید و خدای نکرده عکس‌العملهای بی‌موردی را نشان دهیم.

■ استدلال نوجوان

جوانان به میل خود سخنان حکیمانه می‌گویند و منظور از آن میل و لذت، دانستن یا پسند دادن نیست بلکه می‌خواهند بر همه ثابت شود که حق با آنهاست، حتی در نزد بعضی از آنها یک نوع تعصب و جمود استدلالی مشاهده می‌شود که در حالات بعد تبدیل به یک نوع مرض نظم و ترتیب فکری می‌گردد.»^۲ «به عقیده ماندوس، جوان نرسیده که کمتر از کودکان منطقی است خیلی بیشتر از آنها منطقی و استدلال به هم می‌بافد»^۳ این مسأله، مطلب عجیبی نیست چه، همانطور که قبلاً توضیح داده‌ایم جوان که هم از جهت عقلی و هم از نظر علمی در سطح پائینی قرار دارد. بنابراین سخنان او هم بر مبنای عقل ضعیف و دانش محدود او نمی‌تواند

منطقی و استدلالی باشد.

■ ماجراجوئی و قهرمان گرایی نوجوان

چندی پیش در تهران عده‌ای نوجوان که برخی از آنها دانش آموز نیز بوده‌اند دست به دزدی اتومبیل‌های سواری می‌زدند و دستگیر شدند. سن این دسته بین ۱۶ تا ۲۰ سال بود و بیشتر آنان در بازجوئی چنین اعتراف کردند، ما خودمان هم نمی‌دانیم چرا به اینکار دست زدیم اما هر چه بود از دیدن اتومبیل مخصوصاً کارهای قهرمانی آن لذت می‌بردیم ولی هیچگاه از پولهای آن که بدست می‌آوردیم نتوانستیم استفاده کافی ببریم»^۴ در اینجا سؤالی که قابل طرح است این است که وظیفه اولیاء و مربیان در رابطه با این خاصیت نوجوانان چیست؟ بروالدین عزیز لازم است که اولاً خود و فرزندانشان را از فیلمهای منحرف کننده غربی (که اینروزها مخصوصاً بوسیله نوار و ویدئو پخش می‌گردد) بر حذر دارند تا فرزندان آنها آریست‌های فیلمهای کثیف غربی را به عنوان الگوی خود قرار ندهند و همچنین بر مربیان است که از این خاصیت نوجوانان استفاده کرده و آنها را به مطالعه کتبی که درباره اصحاب پیامبر (ص) و ائمه علیهما السلام و قهرمانان صدر اسلام نوشته شده است تشویق نمایند تا بدینوسیله فرزندان ایشان با قهرمانان صحابه صدر اسلام آشنا شده و آنها را در زندگی خویش به عنوان الگو و نمونه عالی یک قهرمان ایثارگر دانسته و از او تقلید کرده و با او همانندسازی نمایند.

■ طغیان نوجوان

یکی از بیماریهای روانی که کلیه دانشمندان متخصص در کتب علمی خود شرح داده و پیرامون آن مبسوطاً بحث کرده‌اند «جنون جوانی» است. «پیروان مکتب (کر بلن) می‌گویند: جنون جوانی عبارت است از ضعف سریع عقلانی که هنگام بلوغ ظاهر شده و احتمالاً نتیجه مسمومیت درونی و پریشانی غدد مترشح داخلی است.» به همین دلیل است که این دوران از عمر را بعضی زندگی «تشنج انگیز»^۱ و یا «دوران منفی»^۲ و یا دوره «مستی روح»^۳ نامیده‌اند. «به هر صورت از غلایم بارز این دوره طغیان علیه تحت حمایت بزرگترها بودن است که با توجه به رشد ذهنی و عاطفی فرد و هشیاری والدین و مربیان ممکن است حالات خفیف یا شدید باشد. نشانه‌های این طغیان را در وضع لباس پوشیدن، شکستن سنت‌ها، بی‌اعتنائی به ارزشها...»^۴ احساسات نوجوان در این حال، باید کاملاً درک بشود و رفتاری توأم با خونسردی در مقابل عصبانیت و جوش و خروش او در پیش گرفته شود.»^۵ همچنین لازم به تذکر است که جوانان بیشتر در صدد آنند که محیط را با خود موافق سازند نه خود را با محیط.^۶ و این مسأله بسیاری مواقع باعث می‌شود که اعمال آنها بصورت طغیان بر علیه محیط خویش آشکار گردد.

■ روابط نوجوان

«از لحاظ روانی وضعی تقریباً نامتعادل دارد. در جمع فوق العاده شادان و در تنهایی ناراحت است. و البته بسیاری از موارد خود طالب انزوا می‌شود و در عالم خود به فکر خود فرومی‌رود. او کمتر با پدر و مادر می‌تواند کنار آید و اغلب

در برابر فرمانهای ایشان حالت مقاومت دارد. در برابر مسائل جدید و آنچه که مطابق طبعش نباشد پرخاشگر است و در قبال امر ونهی ها عاصی، دوست و رفیق جوانی شیوه عادی اوست، دوستی های عمیق، توأم با دفاع از هم، و همراه با گذشت فداکاری که اغلب متکی به احساسات در این دوره به اوج می رسد.»^۷ «علیرغم گسستن پیوندها با بزرگسالان در این دوره دختران و پسران اهمیت خاصی به پیوستگی با همسالان و تائید آنان قائل هستند.»^۸ «از حدود شش یا هفت سالگی با ورود بچه به دبستان باز هم افق اجتماعی او گسترده می شود. در این دوره او کوشش دارد اتکای خود را به بزرگترها کمتر سازد و شبکه روابط خود را با همسالان گسترش دهد در این زمینه بیشتر متوجه همجنس خود است تا جنس مخالف»^۹.

در این دوران «نوجوان کاملاً به تغییراتی که سرپای وجودش را در خود گرفته واقف است از یک طرف بعزت رشد بلوغ دیگر مشاهده نوازشها و صحبت های والدینش و از طرف دیگر در اجتماع همه کس او را جدی نمی گیرد و جزو بزرگسالان به حساب نمی آورند ناچار مجبور است به دنبال جدائی از پدر و مادر و جستجوی استقلال به جامعه پناه برد، یعنی همانجائی که به هیچ وجه مکانی و مأوایی برایش وجود ندارد.» بنابراین با توجه به چنین مسأله ای مهم بایستی به شخصیت نوجوان احترام گذاشته شود و او را جدی گرفته و در کارهای مهم خانوادگی و امور اجتماعی با او مشورت کرد و قبل از آنکه از خانواده بیژد و به جامعه پناه ببرد بایستی جایگاه مناسبی برای او در خانواده ایجاد نمود. همچنین ذکر این نکته لازم است که «عروسک بازی، بازی پرورش بچه، بازی خانه داری و نظایر آن در دخترها به رشد احساس

همدردی با دیگران و مسئولیت های دیگر کمک می کند.»^{۱۰}

■ بیزاری و بدبینی نوجوان

مارک تواین، نویسنده مشهور می نویسد: «تا چهارده سالگی پدرم را احق و نادان می دانستم. اما در بیست و یک سالگی چنان تغییر عقیده دادم که خود متحیر ماندم» این فرشته تغییراتی را که در یک نوجوان از اوایل بلوغ تا جوانی کامل رخ می دهد. به خوبی جلوه گر می سازد و گویای این نکته است که نوجوانان تا چه اندازه به خود متکی هستند و هوش و ذکاوت خویش را برتر از دیگران می پندارند. در حالیکه اولیاء معتقدند که آنها دارای تجربهئی بیش از فرزندان خود هستند و با کمال سخاوت حاضرند تجارت خویشتن را در اختیار نوجوانان قرار دهند. اینان چندان اهمیتی به گفتار پدر و مادر نمی دهند و سعی می کنند راه خود را بروند بنابراین والدین باید متوجه احوال فرزندان خود باشند و اگر نوجوان را در مرحله بیزاری و دلسردی نسبت به همه چیز دیدند بیهوده درکار او دخالت نکنند و برعکس دورادور مراقبش باشند. چرا که این حالت موقتی است و خود بخود برطرف خواهد شد و مطابق گفته «مارک تواین» نوجوان ناگهان بخود می آید و متوجه از بین رفتن حالت دلسردی سابق میشود. دخالت تنها زمانی نتیجه بخش است که باعث نجات جوان از لجزارهای اجتماعی شود.»^{۱۱}

همچنین «آدمی در این سن به همه افراد و به توانائی های آنها بسیار بدبین است و معمولاً همه را با نظر حقارت می نگرد. حتی تعریف می کنند و احیاناً از علمیت و شخصیت خود سخن می گویند متنفر است»^{۱۲} بنابراین والدین عزیز

بایستی مراقب باشند که هیچگاه خصوصیتی از خود را به بُخ نوجوان نکشند. در غیر این صورت مورد تنفر نوجوان قرار خواهد گرفت.

■ درونگرایی نوجوان

«ن. ک. کروپسکایا درباره نوجوانان چنین می نویسد: «این سن شکاک ترین، بحرانی ترین سنین است. در این سن خصوصاً نوجوان از اثرات بد می ترسند. مخصوصاً گوشه گیرند و اغلب خواندن کتاب را بیشتر از مصاحبت اشخاص بزرگ حتی آنهاییکه خیلی به او نزدیکند ترجیح می دهند.»^{۱۳} همچنین نوجوانان در سنین بلوغ، زودرنج و حساس و نسبت به زندگی مختصری بدبین هستند. بنابراین والدین عزیز باید به حساس بودن فرزندان شان در این سنین توجه داشته و سعی کنند که با آنها برخوردی نداشته باشند.

■ زینت و خودآرایی نوجوان

هنگامیکه نوجوانی فرا میرسد و زیباییهای جوانی آشکار می گردد تمایل به زینت کردن و خودآرایی نیز بطور طبیعی در ضمیر جوانان بیدار می شود، و چه بسا نوجوانانی که ساعتها جلوی آینه ایستاده و به خودآرایی می پردازند. البته لازم به تذکر است که اگر والدین عزیز نوجوانان شان را با ایمان و با تقوی پرورانده باشند آنها بر زیباییهای معنوی بیشتر از زیباییهای مادی توجه خواهند کرد و این خود حاصل بسیار مهم پیشرفت نوجوانان خواهد شد.

■ تمایلات جنسی نوجوان

«اغلب تمایلات جوان در زمینه دو مسأله دور می زند یکی جلب جنس

خالف و دیگر کسب نام.» بایستی اقرار مائیم که مهمترین ویژگی دوران بلوغ، دار شدن غریزه جنسی درنوجوان است. نوجوان از تربیت صحیح بهره مند شده باشد در این صورت این غریزه به راه بیعی خویش ادامه می دهد و می تواند خوشبختی نوجوان بیانجامد. اما اگر بایست صحیح این غریزه کنترل نشود. جز سودی برای نوجوان و ننگ و عار برای خانواده او چیز دیگری بارمغان نخواهد برد. اما لازم به تذکر است که ما ر فضلهای آینده تحت عنوان «تربیت جنسی» به این مهم خواهیم پرداخت و فعلاً درباره مسائل جنسی مخصوصاً ای نوجوانان مطالبی ذکر خواهیم کرد.

جشن نماز

اقوام ابتدائی هنگامیکه می خواستند کودکی را که به سن بلوغ رسیده بود به ضویت رسمی در قبیله خویش بپذیرند شرفیات و جشنها و مراسم خاصی را اجرا می نمودند که با توجه به زمان و مکان و اقوام مختلف این مراسم تفاوت می نمود. عنوان مثال علاماتی را بر بدن نوجوان نقش می کردند و آداب و رسوم بسیار یگری از این قبیل، که در این مختصر فرصت مطرح کردن آنها نخواهد بود.

«... از لحاظ تربیت دینی این مراسم در نظر آنان حائز اهمیت است. علاماتی را که بر بدن طفل نقش می کنند شعار قبیله بوده طفل باید آنرا مقدس و محترم شمارد و عقاید دینی خود را در سیرامون آن متمرکز ساخته و آنرا پرستش کند.»^۱

همچنین در طول تاریخ بشریت، اقوام مختلف فرارسیدن ایام بلوغ را با انجام مراسم و تشریفات خاصی اعلام می نمودند. امروزه بسیاری از خانواده های مسلمان بجای آداب و

رسوم های تشریفاتی و بی نتیجه در ابتدای سنین بلوغ برای آنکه نوجوانان نشان احساس کنند که از این به بعد وظیفه سنگین الهی برگردنشان می باشد، جشن نماز را بر پا می کنند و از دوستان و آشنایان برای این روز مهم دعوت کرده و میهمانی می دهند. به عبارت دیگر همان «جشن تولد» مرسوم است که با اسم «جشن نماز»، صورت می گیرد و از آن روز به بعد نوجوان می داند که نماز و سایر وظائف مذهبی براو واجب می شود. بنابراین ما هم «جشن نماز» را برای ابتدای بلوغ فرزندان شما والدین عزیز پیشنهاد و بر روی آن تأکید فراوان می نمائیم. (بدیهی است برای دختران در انتهای ۹ سالگی و برای پسران انتهای ۱۵ سالگی بایستی جشن نماز گرفت).

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پاورقی ها:

- ۱- شرح ابن ابی الحدید، جلد ۲۵، کلمه ۹۳۷ ص ۳۴۳
- ۲- غرر الحکم ص ۴۴۹
- ۳- تاریخ یعقوبی ص ۵۹
- ۴- چه می دانم؟ بلوغ ص ۱۱۹
- ۵- چه می دانم؟ بلوغ ص ۱۱۸
- ۶- چه می دانم؟ بلوغ ص ۱۲۲
- ۷- بحار جلد ۳۴۳
- ۸- جوان جلد ۱ ص ۲۴۴
- ۹- مسائل تربیتی نوجوانان ص ۴۷
- ۱۰ و ۱۱ و ۱۲- جزوه اصول آموزش و پرورش، دیهیمی ص ۳۰ و ۳۱ و ۲۳
- ۱۳- خانواده و تربیت کودک ص ۴۴۲ و ۴۴۱
- ۱۴- غرر الحکم ص ۳۷۲
- ۱۵- چه می دانم؟ بلوغ ص ۴۹
- ۱۶- قرآن کریم، سوره ۶ آیه ۱۱۹
- ۱۷- جوان جلد ۱ ص ۲۳۳
- ۱۸- خانواده و تربیت کودک ص ۴۴۱
- ۱۹- چه می دانم؟ بلوغ ص ۱۷
- ۲۰- جوان جلد ۱ ص ۱۴۲
- ۲۱- چه می دانم؟ بلوغ ص ۴۹
- ۲۲- آموزش فرهنگی و خانواده ص ۱۲۱ و ۱۲۰
- ۲۳- چه می دانم؟ بلوغ ص ۱۰۶
- ۲۴- چه می دانم؟ بلوغ ص ۱۰۶

- ۲۵- روزنامه اطلاعات شماره ۱۱۶۳۰
- ۲۶- جزوه اصول آموزش و پرورش، دیهیمی ص ۲۷
- ۲۷- پ مانده -
- ۲۸- ش بوه افلاطون
- ۲۹- جزوه اصول آموزش و پرورش، دیهیمی ص ۴۶
- ۳۰- مسائل تربیتی نوجوانان
- ۳۱- چه می دانم؟ بلوغ ص ۸۳
- ۳۲- خانواده و تربیت کودک
- ۳۳ و ۳۴- جزوه اصول آموزش و پرورش، دیهیمی ص ۴۷ و ۴۵
- ۳۵- جزوه اصول آموزش و پرورش، دیهیمی ص ۴۶
- ۳۶- مسائل تربیتی نوجوانان ص ۳۰
- ۳۷- خانواده و تربیت کودک ص ۴۴۸ و ۴۴۷
- ۳۸- روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان ص ۱۲۱
- ۳۹- مسائل تربیتی نوجوانان ص ۸۴
- ۴۰- تاریخ فرهنگ ایران، دکتر عیسی صدیق ص

منابع:

- قرآن مجید
- عزرا الحکم
- شرح ابی الحدید جلد ۲۰
- تاریخ یعقوبی
- بحار جلد ۶
- جوان جلد ۱
- آموزش فرهنگی و خانواده
- مسائل تربیتی نوجوانان
- چه میدانیم؟ بلوغ
- روزنامه اطلاعات شماره ۱۱۶۳۰
- روانشناسی و تربیت جنسی
- کوتاه سخن
- آداب زندگی و وظایف اجتماعی و دینی
- جزوه اصول آموزش و پرورش، دیهیمی
- تاریخ و فرهنگ ایران

